

### دوره گسترش مبارزه برای یکسره کردن کار جمهوری اسلامی است

مصاحبه رادیو انترناسیونال با رحمان حسین زاده



ایران و ترکیه شرکت داشتند. همچنین افرادی از دانشگاه تهران و اویسلای سوئد شرکت داشته‌اند. هدف این سمینار، برخلاف تبلیغات وارونه احزاب ناسیونالیست کرد، چاره جویی برای حل مسئله کرد و در پیش گرفتن سیاست موثری در این رابطه نبوده و نیست. مسئله‌شان دستیابی به روش کارسازی برای پایان دادن به ستم‌های تبعیض و نابرابری نیست. سوسیال دموکرات‌ها و نهادهای برگزار کننده این سمینار اساساً در چارچوب منافع اقتصادی و سیاسی دولتهای متبوع خود در اروپا

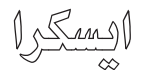
قدرت اجرایی و عملی موثری ندارند. در این سمینار نمایندگان بعضی احزاب سوسیال دموکرات از جمله از آلمان، فرانسه، اتریش و سوئد و ... نمایندگان پنج حزب و گروه ناسیونالیست از کردستان عراق و

حزب در این رابطه اطلاعاتی صادر کرده، چه جریاناتی در این سمینار شرکت کردند، این سمینار چه هدفی را تعقیب می‌کرد؟  
**رحمان حسین زاده:** اطلاع دارید که "اولوف پالمه سنتر" گروه کار سوسیالیست بین‌الملل" که مبتکر این سمینار بودند، نهادهای وابسته به "انترناسیونال سوسیالیست" مربوط به احزاب سوسیال دموکرات هستند.

**سیاوش دانشور:** در روزهای ۲۶ و ۲۷ ماه اوت ۲۰۰۲ به ابتکار مرکز بین المللی اولوف پالمه و با همکاری گروه کار سوسیالیست بین‌الملل، سمیناری تحت عنوان "اقلیتهای ملی و حکومت‌های محلی و دموکراسی در ایران و عراق و ترکیه" در شهر استکهلم، پایتخت سوئد برگزار گردید. کمیته کردستان



یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری اثر منصور حکمت را بخوانید!



سرمدیر: ایرج فرزاد iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵  
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S  
Box 15203  
104 65 Stockholm

پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۶ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

### نگرانی سران جمهوری اسلامی از کمونیسم، واقعی است

جامعه با این شفافیت مرزشان روشن نبود. "سوسیالیسمی که از مولا علی نشأت گرفته بود" و چپی که صنعتی شدن کشور آرمانش بود، مرزی با مذهب و ناسیونالیسم نمیتوانست داشته باشد. به قول حمید تقوایی در ایران جنبشی که قبلاً تسلط داشت، راستش خمینی بود و پیش چریک فدایی. اینها همگی حاصل یک جنبش بودند. جنبش ناسیونال اسلامی.

اما امروزگرایش به چپ و کمونیسم در این جنبش و ماکسیمالیست بودن آن از آن خصوصیتی است که در تاریخ ایران کم نظیر است. یک تفاوت اساسی دیگر این جنبش و گرایش آن به کمونیسم، خود موضوعی جالب و قابل بررسی است زیرا

صفحه ۳

دلان سیاسی

صفحه ۳

سازمان زحمتکشان،

آنطور که هست

صفحه ۴

باعث انباشته شدن نفرت عظیمی بر علیه حکومت و بر علیه مذهب در ایران شده است. مذهب گریزی و مذهب ستیزی یکی از شاخص های مهم جنبشهای اعتراضی بر علیه رژیم اسلامی است. این خصوصیت بویژه در بین جوانان بسیار بارز است. هر جریان سیاسی و اپوزیسیونی که به این جنبه ضد مذهبی و مذهب زدایی بی اعتنا بوده و یا برای آینده خود در ضد حفظ اسلام و تعریف ملیحتری از اسلام باشد، از همین امروز و عملاً در مقابل این جنبش ایستاده و ماهیت خود را نشان میدهد. تنها جنبش کمونیسم کارگری پاسخ این معضل را داده و با قاطعیت تمام در مقابل مذهب، اسلام سیاسی و دخالت آن در زندگی مردم ایستاده و پرچم مبارزه ضد مذهبی و مذهب زدایی را در دست دارد.

- مطالبات آزادی، برابری، رفاه، و تصویر یک جامعه مدرن که مردم ایران برای برپایی آن مبارزه میکنند. تا کنون در هیچکدام از انقلابات گذشته در ایران چنین جایگاهی نداشته است. در تحولات و انقلابات قبلی این مطالبات تحت تاثیر مذهب و ناسیونالیسم رنگ میبافتند. زیرا چپ و راست

آمده است."  
این نگرانیها واقعی است. مردم ایران تصمیمشان را گرفته اند. این رژیم را نمیخواهند. جنبش سرنگونی طلب در ایران به دنبال آلترناتیوی است که به آن اعتماد کنند. واقعیت این است که جنبش سرنگونی طلبی در ایران بیش از پیش به طرف چپ و کمونیسم گرایش پیدا کرده است. مطالبات و توقعاتی که مردم ایران از زندگی دارند، تنها در یک حکومت سوسیالیستی میتوان به آنها جامه عمل پوشید. جنبش سرنگونی طلبی در ایران با خصوصیات معینی شناخته میشود. که جنبشهای راست و عقب مانده نه تنها توان جوابگویی به آن را ندارند بلکه در مقابل آن قد علم میکنند.

مردم ایران از زندگی دارند، تنها در یک حکومت سوسیالیستی میتوان به آنها جامه عمل پوشید. جنبش سرنگونی طلبی در ایران با خصوصیات بارز جنبش سرنگونی طلبی در ایران:  
- اولین خصوصیت این جنبش ضدیت اش با مذهب و قوانین اسلامی است. جمهوری اسلامی ایران با قوانین ضد انسانی اسلامی اش، زندگی مردم ایران را به تمام معنا به بن بست کشانده است. فقر مطلق اقتصادی، نبود آزادی و نبود امکان ابراز وجود اجتماعی و اعتراض، نبود هیچ نوع آزادی فردی و سیاسی و اجتماعی همه و همه



محمد آسنگران

در چند ماه اخیر سران جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری در مورد خطر چپ و کمونیسم به همدیگر هشدار میدهند و یا بعضاً سعی میکنند برای دلداری دادن به صفوف بی روحیه خودشان بگویند کمونیسم خطر جدی نیست.

یکی از نمایندگان مجلس گفت: "احتمال خطر بروز سکولاریسم، لیبرالیسم، کمونیسم، و سوسیالیسم در میان جوانان و مردم و پناه آوردن آنها به این "ایسمها" وجود دارد."

علی یونسی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در جواب این نگرانیها و به منظور روحیه دادن به صفوف خود میگوید: "تاریخ مصرف کمونیستها در داخل و خارج کشور به سر

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!



## دوره گسترش مبارزه ...

دنبال پیدا کردن راه سازش بین دولتهای مترجع و سرکوبگر در منطقه و احزاب ناسیونالیست کرد هستند. در این راستا کشمکش سیاسی و تبعیض و ستم ملی را که ریشه و محتوای سیاسی دارد به مقولات "حقوق بشر و فرهنگ و زبان" تغییر میدهند. ظاهرا این روایتها از مسئله میتوانست، نقطه‌ای باشد که دولتهای سرکوبگر با حفظ ارکان حاکمیت ارتجاعی خود و اندک امتیازات و عقب‌نشینی پروژه‌های فرهنگی - زبانی ارائه کنند و از طرف دیگر احزاب ناسیونالیست کرد که دنبال شریک شدن در قدرت با دولتهای مرکزی هستند، موجبی به دست میاورند، تا از این طریق به اهداف حقیر و ارتجاعی خود دست یابند. اتفاقا مفاد اطلاعیه پایانی این نشست به روشنی پروژه دولتهای مترجع و سرکوبگری چون جمهوری اسلامی و ترکیه را تحت نام "پیشرفتهای و بهبودهای سیاسی" مورد تایید قرار داده است. در مورد وضعیت در ترکیه، وعده‌های دولت ترکیه مبنی بر "اجازه تدریس به زبان کردی و ایجاد رسانه‌های کردی زبان" بهانه‌ای شده که شوینسیم و سرکوبگری و ستم ملی بر مردم کردستان به فراموشی سپرده شود. در مدح بهبودهای قانونی و نزدیکی اروپا و ترکیه سخن سردهند و از دولت سرکوبگر ترکیه بخواهند، "این وعده‌ها در انتخابات عمومی آینده قانونی شود و عفو عمومی برای کردها صادر شود". در رابطه با اوضاع کردستان ایران از این بدتر بیانیه میگوید "گروه کار سوسیالیستی ملاحظات خود را در باره پیشرفت سیاسی؟؟؟ بوجود آمده در ایران (که منظورشان جریان خاتمی و ۲ خرداد است) مطرح کرد و فراخوان به همه نیروهای سیاسی داد در راستای این پیشرفتهای تلاش کنند یعنی از خاتمی و دولت جمهوری اسلامی حمایت کنند. در رابطه با عراق دنبال کسب حمایت از پروژه آمریکا و غرب هستند. بر حفظ "تمامیت ارضی" عراق تاکید شده است. حل مساله کرد با مراجعه مستقیم به آراء مردم کردستان عراق قلم گرفته شده و فدرالیسم قومی در چارچوب تمامیت ارضی عراق و "عراق دمکرات فدرالی" آتی در

انطباق با منافع اقتصادی و سیاسی کشورهای غربی به عنوان راه حل تاکید شده است. همچنین نه تنها بر ۱۲ سال سرگردانی و مصائب جامعه کردستان عراق چشم پوشیده‌اند، وضعیت بلاتکلیف و موجود کردستان عراق زیر حاکمیت خودگمارده حزب دمکرات و اتحادیه میهنی را به صرف اینکه در حال جنگ و کشتار نیروهای همدیگر و مردم نیستند، به نام "پیشرفتهای کردستان عراق" تایید کرده‌اند.

به روشنی معلوم است اصل موضوع ستمگری ملی توسط دولتهای مترجع مرکزی، راه حل موثر پایان دادن به این ستم، دخالت مردم در سرنوشت خود و حتی اعمال فشار بر دولتهای سرکوبگر در جهت پایان دادن به کشتار و میلیتاریسم و اعمال زور بر مردم کردستان در سمینار نامبرده جایگاهی نداشته و انتظاری هم نیست که داشته باشد. به نظر چنین پروژه‌های ارتجاعی راه به جایی نمی‌برند و از نظر مردم مردودند.

سیاوش دانشور: مشخصا در رابطه با کردستان ایران چه سیاستی را تعقیب کرده‌اند؟

رحمان حسین زاده: خودتان میدانید، دولتهای اروپایی و از جمله همین احزاب سوسیال دمکرات که عمدتا قدرت دولتی را در دست دارند، مدتها زیر لوای "دیالوگ انتقادی" دنبال بهبود رابطه‌شان با جمهوری اسلامی بودند، و این رژیم جنایتکار را تایید کردند. سرکار آمدن خاتمی، بهانه‌ای شد، برای تشدید حمایتشان از وی و پروژه دوم خرداد و دولت جمهوری اسلامی. اشاره کردم در این سمینار هم تحت لوای "پیشرفتهای سیاسی" بوجود آمده از خاتمی و پروژه شکست خورده وی حمایت شده است. از این احزاب خواستماند، که خود را با آن پروژه منطبق کنند. یعنی صراحتا خواستماند به پروژه خاتمی بپیوندند. طبعاً اینها میدانند حزب دمکرات کردستان ایران و گروه انشعابی از کومله که در این جلسه حاضر بوده‌اند، ظرفیت پیوستن به چنین پروژه ارتجاعی را دارند. قبلا تمایل خود را در حمایت از دوم خرداد نشان داده‌اند. اما مردم در کردستان ایران هوشیارند و به مبارزه خود علیه کل این رژیم ادامه میدهند. تجربه نشان داده

چنین جریانات و پروژه‌هایی تنفر و انزجار عمیق مردم را موجب میشود. **سیاوش دانشور:** به موازات این سمینار شایعاتی در مورد موضوع مذاکره جمهوری اسلامی با حزب دمکرات و گروه انشعابی از کومله پخش شده است. این موضوع چقدر جدیت دارد و نظر شما چیست؟

**رحمان حسین زاده:** بلی این خبر هست، فکر نمیکنم به لحاظ عملی در حال حاضر جدیتی زیادی داشته باشد. اما فکر میکنم از دو طرف یعنی هم جمهوری اسلامی و هم این جریانات ناسیونالیست نیازمند چنین موضوع و اقدامی هستند. ببینید، جنبش اعتراضی در سراسر ایران در حال گسترش است. جمهوری اسلامی تحت فشار از پایین و حتی در تنگناست. منطقه کردستان یکی از کانونهای گرم جنب و جوش و اعتراض علیه رژیم است. جمهوری اسلامی نگران از وقوع انفجار اجتماعی در سراسر ایران و در کردستان است. موضوع مذاکره به زعم آنها اولین خاصیتی که دارد، ایجاد حالت انتظار در میان مردم و آرام کردن اوضاع است. احزاب ناسیونالیست کرد هم از به میدان آمدن مردم و تلاش آنها برای به دست گرفتن سرنوشت خود، نگرانند. به همین دلیل از دو طرف و به منظور مقابله با فضای اعتراضی و جلوگیری از تعمیق و گسترش مبارزه رادیکال به چنین شایعات و اخبار و حتی زمانی اقدام عملی در این مورد نیازمندند. اما این پروژه ناکام و رسوا است. قبلا حزب دمکرات این پروژه‌های ناکام را بسیار تجربه کرده است. در شرایط کنونی روند اوضاع و مبارزه مردم به طرف سرنگونی جمهوری اسلامی است. کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه و حزب کمونیست کارگری به منظور سرنگونی این رژیم در صحنه هستند و به چیزی کمتر از سرنگونی این رژیم رضایت نمیدهند. موضوع مذاکره در این شرایط اساسا در خدمت اهداف رژیم است و رسوا خواهد شد.

**سیاوش دانشور:** شما به طور اصولی با مذاکره مخالفت دارید، یا در این تناسب قوای معین چنین سیاستی را تعقیب میکنید؟

**رحمان حسین زاده:** بطور کلی و بطور دائم نمیتوان با مسئله مذاکره مخالف بود. احزاب سیاسی جدی و از جمله احزاب کمونیست کارگری و رادیکال هم مذاکره خواهند کرد و با دشمنانشان هم مذاکره خواهند کرد. طبعاً با بررسی مشخص دوره‌ای که در آن قرار گرفتند و اگر تشخیص

دهند که این اقدام در خدمت پیشبرد هدف سیاسی جنبش و حزبشان است. اما در حال حاضر ما می‌بینیم که مردم در ایران و در کردستان عزم جزم کرده‌اند که این رژیم را سرنگون کنند. مردم سر سازش با این رژیم ندارند و ما هم به عنوان کمونیسم کارگری به عنوان بخش لاینفک مبارزه این مردم و پیشاپیش مبارزه مردم، برای سرنگونی رژیم اسلامی تلاش میکنیم. موضع مذاکره با این رژیم حال احزاب ناسیونالیست کرد هر توجیهی برای آن داشته باشند، اقدامی در جهت یاری رساندن به جمهوری اسلامی برای نجاتش از دست فشار و اعتراض مردم است. این شگرد و توطئه علیه مبارزه مردم در فضای اعتراض کنونی و به همت حزب کمونیست کارگری خنثی خواهد شد.

**سیاوش دانشور:** اخیرا فرمانده سپاه پاسداران "رحیم صفوی" در سنج حضور داشته و اعلام کرده که احزاب دمکرات و کومله به جمهوری اسلامی تعهد رسمی داده‌اند، که دست به اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی نمیزنند. هر چند این احزاب موضوع را تکذیب کرده‌اند، چه ربطی بین صحبت‌های رحیم صفوی و این وقایع می‌بینید؟

**رحمان حسین زاده:** طبعاً این مسائل و طرح همزمان آنها فکر میکنم با هم ارتباطی داشته باشند. اینکه این احزاب موضوع را هم تکذیب کرده‌باشند و احتمالا سند رسمی و کتبی هم وجود نداشته باشد، ما میدانیم در ۱۰ سال گذشته تحت فشار اتحادیه میهنی و جلال طالبانی و طبعاً به دستور جمهوری اسلامی (یعنی غیر مستقیم)، حزب دمکرات و کومله فعالیت نظامی علیه جمهوری اسلامی نداشته‌اند. احتمالا رحیم صفوی به این موضوع اشاره دارد (۱) نکته مهمتر حضور رحیم صفوی در این شرایط در سنج و منطقه کردستان است. سران جمهوری اسلامی به شدت از گسترش اعتراض مردم در کردستان نگرانند. میدانند شهر سنج الهام بخش مبارزه در دیگر شهرهای کردستان است. فضای آن چپ است و اعتراض و مبارزه در آنجا و در کردستان مهر چپ و کمونیسم را بر خود دارد. نگران اتفاق غیره منتظره و از دست رفتن کنترلشان بر شهرها هستند. اخیرا نیروی نظامی زیادی را به شهرهای کردستان و مرزها گسیل داشته‌اند. آمادباش نظامی اعلام کرده‌اند. به این وسیله قلدری

خود را به رخ مردم میکشند، میخواهند مردم را مرعوب کنند. به زعم آنها اشاره به "تعهدات" دمکرات و کومله میتواند ابزاری در خدمت سیاست ارباب مردم باشد. این اقدامات و تلاشهای مذبحخانه دیگر فایده ندارد. فروپاشی جمهور اسلامی نزدیکتر میشود.

**سیاوش دانشور:** در این اوضاع و احوال فراخوان شما به مردم چیست؟ **رحمان حسین زاده:** فضای مبارزاتی در سراسر ایران و اوضاع در کردستان گسترش وسیعتر اعتراض و مبارزه را میطلبد. دوره، دوره تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی است و باید این روند را به شدت تقویت کرد. مردم معترض، کارگران، زنان جوانان، متحد و متشکلتتر، دست در دست هم لازمست به میدان بیاییم. رژیم ضعیف است و شرایط به نفع مبارزه ماست و باید کار این رژیم را یکسره کرد. حزب کمونیست کارگری در صحنه حضور دارد و هدایت مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را اساسیترین کار خود میداند. فراخوان ما اینست حول اهداف و سیاست و برنامه حزب کمونیست کارگری متحد و متشکل شویم و این حزب و مبارزه آن را تقویت کنیم.

\*\*\*

۱- بعد از مصاحبه انجام شده و در حالی که متن را برای انتشار در ایسکرا تنظیم میکردم، بیانیه‌ای از اتحادیه میهنی کردستان در جواب به فرمانده سپاه و در خصوص این موضوع را دریافت کردم که دقیقا در آنجا اشاره شده که دمکرات و کومله بنا به وعده و تعهد خود به "مام‌جلال" فعالیت نظامی را تعطیل کرده‌اند. □

### از سایت

### روزنه دیدن کنید

www.rowzane.com

مطالب، اطلاعیه ها و نظراتتان را برای روزنه بفرستید.

rowzane@yahoo.com

## اوهام ارتجاعی دلان سیاسی



ایرج فرزاد

بنا به خبر یک رادیو بنام رادیو پژواک در سوئد، عبدالله مهدی در یک نشست در روز شنبه آخر ماه اوت از پیشنهاد جمهوری اسلامی برای مذاکره با سازمان زحمتکشان و حزب دمکرات خبر داد.

به گفته رادیو پژواک عبدالله مهدی در همین نشست گفته است که سازمان متبوع او مخالف مذاکره نیست مشروط بر اینکه در یک کشور اروپایی و زیر نظر انترناسیونال سوسیالیست انجام شود.

من میخواهم تاکید کنم که این موضع جناب مهدی یک اعلام آمادگی کامل برای خوش خدمتی به رژیم است که مردم ایران بیش از هر زمانی میخواهند سر به تنش نباشد تا چه رسد به مذاکره با آن. این یک اعلام علنی ظرفیت سازمان زحمتکشان برای آمادگی هر اقدامی علیه منافع مردم است چرا که اگر در دوره‌های پیشین و بویژه پانزده سال ۵۸ مبارزه مردم کردستان توازن قوا را به چنان حدی رسانده بود که

رژیم را ناچار کرد پای میز مذاکره با نیروهای سیاسی دخیل در کردستان بنشیند، اکنون و در وضعیت فعلی وضعیت به کلی متفاوت است. مبارزه مردم طی بیش از این ۲۲ سال به اشکال دیگری درآمده است و رابطه آنها با سازمانهای مختلف دگرگون شده است. سازمان زحمتکشان که در یک اقدام کودتاگرانه و آشکار و وقیح و علنی تلاش کرده است نام کومله را بدزد، فقط دو سال است که تشکیل شده است آنها اساسا توسط و با دخالت اتحادیه میهنی و جلال طالبانی. این سازمان سرهم بندی شده هیچ بخشی از مبارزات مردم کردستان ایران را نمایندگی نمیکند و بنابراین بحث از مذاکره با رژیم اسلامی فقط میتواند یک بند و بست و یک خرید و فروش و معامله بین ماموران اداره اطلاعات رژیم با یک سازمان جانی و در خدمت اتحادیه میهنی باشد. این مذاکره و یا شایعه این مذاکره فقط میتواند نشانی از یک توطئه مشترک بین جلال طالبانی، پدرخوانده سازمان زحمتکشان، با باندهای فاشیست جمهوری اسلامی علیه مردم و نیروهای انقلابی باشد.

اعلام پیشنهاد مذاکره جمهوری اسلامی با حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان از طرف دیگر از آن نوع دیپلمات بازی دلان سیاسی از قماش جلال طالبانی و صلاح مهدی است که بدون تایید رسمی از جانب حزب دمکرات شایع شده است. حزب دمکرات در آخرین اعلام موضع از

سوی عبدالله حسن زاده گفته است که مذاکره پنهانی را با جمهوری اسلامی نخواهد داشت و خود این حزب مسئولیت اعلام چنین حرکتی را به عهده خواهد گرفت. این نوع پوختیک زدن هم جزئی از کارکرد همیشگی همان دلان سیاسی است. در هر حال مذاکره در شرایط فعلی از جانب هر نیروی باشد ربطی به مبارزه و خواست و مطالبات مردم ندارد و مردم برخلاف دوره کوتاه و ویژه پانزده سال ۵۸ آگاهی روشنی از ماهیت احزاب سیاسی کردستان کسب کرده‌اند.

سازمان زحمتکشان در طول همین دو سال فعالیت و سرهم بندی شدنش توسط جلال طالبانی به همه اثبات کرده است که یک جریان فالانژ ضد کمونیست، بشدت قوم پرست و مدافع سناریو سیاه فدرالیسم قومی در ایران و کردستان است. این سازمان وضع به مراتب بدتری از حزب دمکرات دارد. اگر حزب دمکرات طی این ۲۲ سال فاصله خود را با منافع و حقوق پایهای مردم کردستان نشان داده است، سازمان زحمتکشان برعکس طی همین ۲ سال و از همان روز اعلام موجودیتش اساسا با مواضع ضد کمونیستی، ضد مردمی و بر مبنای سناریوی سیاه فدرالیسم قومی از زیر لجن پا به عرصه سیاست گذاشته است. از این رو بحث مذاکره از جانب این سازمان نژادپرست با رژیم اسلامی کاملا جنبه تکمیلی ماهیت این سازمان ارتجاعی یعنی توطئه و دیسیسه و بند و بست با باندهای اسلامی

علیه مردم و چپ و حزب کمونیست کارگری است. این را باید به گردنشان آویزان کرد و به مردم نشان داد. این تشبثات در شرایط فعلی میتواند فقط یک اوهام و یک رویای ارتجاعی و فعال کردن دلان سیاسی از جانب سازمان زحمتکشان باشد برای گرفتن مقداری پول و وعده سرخرمن در ادا تشدید فعالیت ضد کمونیستی. اما در عین حال باید همین را بعنوان اعلام آمادگی برای خدمت به باندهای سیاه حاکمان اسلامی آنها درست در دوران فروپاشی رژیم اسلامی که در پوشش مذاکره و بنام "خلق کرد" طرح میشود را به مشخصات هویتی‌شان اضافه کرد. مردم کردستان متحول شده‌اند، شهری‌تر و متمددتراند، ترکیب جمعیت آن مدرن‌تر و به موازات تغییرات معیارها و موازین انسان جهان کنونی تغییر کرده است، با این مردم نمیتوان بسان همان مردم ۲۲ سال پیش رفتار کرد. ناسیونالیسم کرد از قدرت توهم پراکنیهای ۲۲ سال پیش برخوردار نیست و گرایش آزادیخواهانه، برابری طلب و کمونیسم کارگری در میدان سیاست و در اذهان مردم وزنه سنگینی است. پا بپای ورشکستگی ناسیونالیسم کرد در بیان خود بعنوان تنها محرک مردم کردستان، کمونیسم کارگری بعنوان یک آلترناتیو واقعی، با برنامه روشن و یک حزب وسیع و فراگیر سراسری یک فاکتور تعیین کننده در معادلات سیاسی جامعه ایران شده است. فرض کردن کردستان ایران بعنوان یک جامعه عشیره‌ای و با مردمی چشم انتظار بندو

بست احزاب ناسیونالیست و یک تازی آنها در صحنه سیاست، یک رویای ارتجاعی و بر باد رفته است. کردستان ایران و مردم آن با ۲۲ سال پیش از بنیان متفاوت است، کمونیسم کارگری از آزمایش کردن سناریو سیاه و تبدیل کردن کردستان ایران طبق مدل زیر سلطه احزاب عشیره‌ای در کردستان عراق قاطعانه جلوگیری خواهد کرد. ما نمیگذاریم زندگی مردم کردستان ایران و سرنوشت آنها بازچه دیپلمات بازیهای رژیم اسلامی و دلان قوم پرست شود. این را مطمئن باشند.

\*\*\*

### کمک مالی به کمیته کردستان

#### کمک مالی منظم

گلباغ سلیمی ۱۰۰ کرون ماهانه  
جبار کردی ۱۵۰ کرون  
محمود خاطری ۱۰۰ کرون

#### کمک مالی غیر منظم

سارا محمد ۲۵۰ کرون

کمک جمع آوری شده توسط

خالد حاج محمدی،  
نسرین رمضانعلی،

و محمد آسنگران ۵۲۷۰ کرون  
هاشم ترکمن ۳۲۰ کرون

## ۰۰۰ نگرانی سران جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی طلبی، یک فاکتور مهم دیگر است. جمهوری اسلامی در طول بیست و سه سال گذشته به همگان اثبات کرد که ضد زن و ضد همه حقوق اجتماعی و انسانی و مدنی و فردی زنان است. تاریخ دو دهه اخیر ایران مملو است از تحقیر و توهین و بی حرمتی به زنان، قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی علنا و بیشرمانه زن را نیمه انسان تعریف میکنند و هر نوع تقلایی از سوی زنان را برای نپذیرفتن این قوانین، با شلاق و زندان و سنگسار پاسخ داده است. در مقابل این ارتجاع لجام گسیخته یک جنبش قوی شکل گرفته است. جنبشی که با جمهوری اسلامی و دخالت مذهب در زندگی

این بار به دنبال فروپاشی بلوک شرق کمونیستی که معتبر شده است نه از زبان حزب توده و فدائیان خلق که مماشات و آغوشتگی با مذهب و ناسیونالیسم از مولفه های همیشه ثابت آن بود، بلکه تحت تاثیر یک گرایش مارکسیستی انقلابی و رادیکال که کوچکترین امتیازی به گرایشات عقب مانده نمیدهد، است. کمونیسم این دوره در ایران اساسا متأثر از کمونیسم کارگری است. کمونیسم منصور حکمت.

- زنان بودن این جنبش و یا بهتر بگویم نقش مهم زنان در

خود سرچنگ دارد. جنبشی برابری طلبانه، مدرن و انسانی که در تاریخ ایران برای اولین بار است با این قدرت به میدان آمده است. - توقعات بالا و مدرن جنبش سرنگونی طلبی یکی دیگر از خصوصیات بارز آن است که در تاریخ ایران بی همتا است. هر قدر حکومت و بویژه جناحهای مختلف آن از ضرورت پائین آوردن توقعات مردم حرف بزنند، دیگر توقع مردمی را که بالا رفته است، نمیتوان پائین آورد. مردم ایران جوانان و زنان و کارگران سهم خود را از زندگی میخواهند. مردم آزادی میخواهند. رفاه و برابری میخواهند. مردم این حق را دارند و باید بتوانند از آخرین دستاوردهای بشر بهره مند شوند.

امروز همگان اذعان دارند وقتی که سران رژیم از خطر کمونیستها در ایران حرف میزنند، به این معنی است که کمونیسم توانسته است به عنوان یک جریان اجتماعی پا به میدان بگذارد و به عنوان آلترناتیوی مطرح، این رژیم را تهدید کند. و البته ناگفته پیدا است که سران جمهوری اسلامی دقیقا منظورشان از کمونیسم حزب متشکل این جنبش است. منظورشان حزب کمونیست کارگری است. و تمام لجن پراکنیشان علیه حزب کمونیست کارگری از همین جا ناشی میشود. ترس مقامات اسلامی از این کمونیسم بسیار واقعی و قابل درک است. چرا که جنبش سرنگونی طلبی در ایران پاسخ خود را در این جنبش و در این حزب می یابد.

حزب کمونیست کارگری برای برپای یک جامعه آزاد، برابر، و مرفه بر همین جنبش متکی است. جنبش رادیکال و برابری طلب در ایران اینبار شانس پیروزی اش بیش از همیشه قابل پیش بینی است. زیرا یک حزب قوی و مصمم و ماکسیمالیست را در راس این جنبشهای اعتراض میبیند. حزب کمونیست کارگری ایران با برنامه اش، با اهداف انسانی و آزادیخواهانه اش، با قاطعیت و افق روشنش میتواند و آماده است که با پرچم جمهوری سوسیالیستی در صف مقدم جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی قرار گیرد. ۲۹ اگوست ۲۰۰۲

●●●

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## سازمان زحمتکشان، آنطور که هست (نگاهی به یک قطعنامه کنگره دهم کومه له)

بهنم خانی

نفس دادن قطعنامه علیه سازمان زحمتکشان عبدالله مهتدی کاری مفید و لازم است، اما برای هر فرد منصفی که یک بار قطعنامه کنگره دهم کومه له در باره سازمان زحمتکشان را بخواند، قبل از اینکه به ماهیت سازمان زحمتکشان پی ببرد، متوجه میشود که رهبری کومه له را باید برای ارائه یک تصویر سطحی و مماشات جویانه از یک جریان باندسیاهی و دست ساز زیر سوال ببرد.

سوالات زیادی را رهبری کومه له باید در این رابطه جوابگو باشد، آنها حتما قبل از دست بردن به نوشتن چنین قطعنامه ای روی بند بند آن فکر کرده اند، به گمان خود لابد ضرورتی را تشخیص داده اند، مخاطبشان را حتما جدی گرفته اند، لابد میخواهند چیزی را محکوم کنند، یا آلترناتیوی را مطرح کنند، و خوب و بدی را در مقابل مردم بگذارند.

در شرایط ویژه و حساس بحران سیاسی در ایران و فروپاشی قریب الوقوع جمهوری اسلامی، حداقل انتظاری که از این قطعنامه میرفت، افشای ماهیت و عملکرد بغایت ناسیونالیستی، ارتجاعی و قومپرستی و ضدکمونیستی باند مهتدی ایلخانی بود. افشا و محکوم نمودن سناریو سیاه و ضدانسانی فدرالیسم آنان بود، افشا و محکومیت قلدر منشی و ضد آزادی خواهی آنها بود، افشای پروسه بند و بست با سران اتحادیه میهنی و دولت "نوپای" هریم در سلیمانیه برای ربودن نام کومه له بود، افشای اینکه در تحولات شدت حساس کنونی ایران آنها در ظرفیتهای مخرب و فالانژیستی یک عده مسلح ضد انقلابی ظاهر شده اند. این قطعنامه نقد سوسیالیستی، نقد کارگر کمونیست، نقد انسان بستوه آمده از دنیای وارونه کنونی در باره یک جریان بشدت ناسیونالیست و قومپرست را نمایندگی نمیکند، قطعنامه ای بشدت ضعیف بی محتوا، توهم انگیز و غیر جانبدار و دفاعی است، قطعنامه ای افشا کننده، تیز و راهگشاه نیست.

مامای واقعی این طفل شیرین است.

معتقد بودن به اینکه جریان مهتدی از برنامه و اهداف کمونیستی دور شده است، مماشات جویانه ترین و غیرواقعی ترین برخوردی است که به این جماعت میشود. یعنی تا قبل از انشعاب از کومه له و اعلام سازمان زحمتکشان، آنها از اهداف و سیاست کمونیستی دفاع میکردند؟ منظورتان قطعنامه مشهور عبدالله مهتدی در مقطع جنگ خلیج است و یا مقالات حباب کمونیسم کارگری است؟ آیا این مماشات جوئی نشانی از این نیست که خود شما هم در آن مواضع اهداف مشترکی را میدیدید؟

کسی که علنا یک سازمان نفرت علیه کمونیسم را اعلام کرده است، کسی که به تمام فعالین و بنیانگذاران و کادرهای کومه له کمونیست لعنت میفرستد، کسی که میکوشد افکار راسیستی و نژاد پرستانه (با معلمایاتان فارسی صحبت نکنید) را در جامعه ترویج و تبلیغ کند از کمونیسم دور شده است یا تصمیم گرفته است با کینه همه جریانات مشابه ضد کمونیست هر آنچه را که کمونیستها در کردستان بعنوان دستاوردهای عظیم در امر آزادیخواهی و برابری طلبی تثبیت کردند، به لجن بکشد؟

در قسمتی دیگر از قطعنامه میاید که "..... استفاده آنها از نام کومه له و ادعای اینکه گویا کومه له را از حزب کمونیست ایران در آورده اند نه تنها به لحاظ تشکیلاتی که به لحاظ اخلاقی هم نامشروع است. پیوستن مجدد جمع وسیعی از کادرها و اعضای قدیمی که در سالهای اخیر هر کدام بدلایلی از فعالیت تشکیلاتی کناره گرفته بودند و به صف تشکیلات کومه له باز گشتند، باز هم عدم مشروعیت و نادرستی ادعاهای جریان انشعابی را بیشتر بر ملا ساخت و امروز روشن است که نقشه ربودن نام کومه له و تغییر جهت سیاسی و استراتژی آن بطور قطع با شکست روبرو شده است."

عجب دلیل محکمی! سازمان کردستان حزب کمونیست ایران بعد از گذشت دو سال از به یغما بردن نام سازمانش توسط باند مهتدی، امروز با پیوستن مجدد تعدادی از اعضای سابق

خود، غیر مشروع بودن جماعت مهتدی را نتیجه میگیرد!! رهبری کومه له فعلی برای یک لحظه هم شده تصور کند که آقای مهتدی و ایلخانی زاده چنین بی پرستی را نکرده بودند و نام دیگری بر خود میگذاشتند، آیا در این صورت احتیاجی به افشای ماهیت و جایگاه آنها، اهداف آنها و خواهبایی که در فردای فردپاشی جمهوری اسلامی برای مردم کردستان با آلترناتیو فدرالیسمشان دیده اند، نداشتند؟ ناسیونالیسم و فالانژیسم کردایستی آنها مورد انتقاد نبود؟

و بالاخره مردم ایران، مردم کردستان، مردم تشنه رفاه و زندگی با آرامش، مردمی با سابقه مبارزاتی بیش از دو دهه که دنیا را بیشتر از دایره اردوگاه کومه له فعلی میبینند، مردمی که بر صفحه تلویزیونهایشان شاهد جنگ قومپرستان و فرقه های مسلح کپی باند مهتدی در یوگسلاوی و افغانستان و چین و رواندا هستند، پاسخ جدی و مسئولانه میخواهند. مردم میخواهند بدانند نقش کومه له فعلی در افشا و رسوا کردن و منزوی کردن دارو دسته ای که خواب دایر کردن بساط خود را بر بستر یک جامعه تهی شده از مدنیت و در نتیجه یک پروسه خونین پاکسازی قومی تحت نام کومه له دیده اند، چیست. امیدوارم که راه در پیش گرفتن یک سیاست چپ، رادیکال و شجاع در برابر ناسیونالیسم و کردایستی هنوز برای رهبری کومه له فعلی کور نشده باشد.

۳- سپتامبر ۲۰۰۲

\*\*\*

### کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r\_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

## فشرده چند خبر

### پاوه

کودک ۶ ساله مورد تجاوز ملای روستا قرار گرفت در هفته گذشته در روستای دوریسان در یک کیلومتری شهر پاوه ملا مرتجع روستا در کمال وحشیگری به پسر بچه ای ۶ ساله تجاوز میکند و در همانجا او را رها میکند. مردم بچه را پیدا و او را به بیمارستان پاوه منتقل میکنند که در اثر جراحات وارده قسمت زیادی از روداش را می برند و تا کنون در بیمارستان بستری است.

### سردشت:

دختر ۱۴ ساله حلق آویز شد روز یکشنبه ۱۰ شهریور (۱ سپتامبر ۲۰۰۲) دختری ۱۴ ساله به اسم بلقیس عزیز حلق آویز میشود. خانواده اش گفته اند که بلقیس خودش دست به چنین کاری زده است. - شلاق زدن چند نفر به جرم رابطه جنسی در سردشت حدود یک هفته پیش زنی به اسم لیلا ظریفکار به جرم رابطه جنسی غیر اسلامی دستگیر میشود. لیلا را به ۹۶ ضربه شلاق محکوم میکنند. سرانجام این عمل وحشیانه را در پادگان سردشت اجرا میکنند. لیلا تا دریافت این خبر بدلیل جراحات وارده در بیمارستان سردشت بستری بوده است. بدنبال این ماجرا ۸ مرد را هم به جرم اینکه با لیلا رابطه داشته اند دستگیر و تا کنون ۴ نفر را در پادگان سردشت هر کدام ۹۶ ضربه شلاق زده اند.

### کامیاران:

حدود ۳ هفته پیش در کامیاران مردی همسر و ۲ بچه خود را کشت و سرانجام با چاقو تلاش کرد خود را هم بکشد. ما ضمن تاسف عمیق خود از این تراژدی، به نزدیکان و دوستان قربانیان این واقعه تسلیت میگوییم.